

نشریه اینترنتی جنبش سوسیالیستی  
نشریه سازمان سوسیالیست های ایران - سوسیالیست های طرفدار راه مصدق

[www.ois-iran.com](http://www.ois-iran.com) / [sosialistha@ois-iran.com](mailto:sosialistha@ois-iran.com)

مربوط به یادویس شماره ۱۴ نوشه‌تی دکتر منصور بیات زاده تحت عنوان:

**"دفاع از ارزش‌های محوری «نهضت ملی ایران»، برای دکتر مصدق ارجحیت بیشتری داشت تا حفظ مقام نخست وزیری!"**

- جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۲ - ۲۱ فوریه ۱۴ -

۱۴ - اسناد سخن می گویند! - پژوهش و برگردان: دکتر احمد علی رجائی - مهین سُروری (رجائی) - در دو جلد - چاپ اول ۱۳۸۳ - چاپ پژمان - انتشارات قلم.

- توضیح درباره مطالب مندرج در مقدمه جلد اول آن کتاب - متأسفانه در مقدمه ای که در جلد اول آن کتاب درج شده است، بنظر من چند اشتباه تاریخی وجود دارد. که من از وظایف خود دانستم، حال که از آن کتاب بعنوان منبع معتبر یاد می کنم، همچنین به آن اشتباهات که جنبه تاریخی دارند، اشاره کنم.

۱ - در صفحه ۹۳ جلد اول آن کتاب ، مطلبی بعنوان اظهارات مرحوم خلیل ملکی که گویا در جلسه ای مشترکی که زنده یادان فروهر، سنجابی و خلیل ملکی در باره «رفرازه» با دکتر مصدق داشته اند، خلیل ملکی در مخالفت با برگذاری رفرازه به مصدق گفته است. اظهاراتی که مرحوم داریوش فروهر، در یک گفتگوی ویدیویی، آن اظهارات را «دروغ مغض» خوانده بود . موضوعی که من در بخش‌های اول و نوشه‌تی حاضر به آن اشاره کردم.



۲ - در صفحات ۴۷ تا ۵۵ مقدمه جلد اول همان کتاب (اسناد سخن می گویند!)، نوشه‌تی ای بقلم زنده یاد، مهندس جهانگیر حق شناس بعنوان «پیش گفتار» به چاپ رسیده است. نوشه‌تی بسیار جالب و

ارزنده‌ای که به رئوس بخش‌هایی از تاریخ معاصر و توطئه‌های دولتهای استعمارگر اشاره رفته است.

در آن مقدمه، جملاتی که در صفحه چهار آن نوشته (صفحه ۵۰ آن کتاب) در سطور ۱۶ تا ۱۸ در بین دو پرانتز تحریر شده است. مطلوبی است که احتمالاً نمی‌تواند، نویسنده آن، روانشاد مهندس جهانگیر حق شناس باشد و اگر واقعاً از سوی شخص سومی آن مطلب به آن نوشته اضافه نشده است، محتوى آن از لحاظ تاریخی غلط است؛ چون بکلی برمبارزات دکتر مصدق در مجلس دوره چهاردهم خط بطلان می‌کشد و آن مبارزات درخسان را نفی می‌کند!

مطلوب درون دو پرانتز بصورت زیر در آن نوشته فرمولبندی شده است:

"...به همت و مبارزه اقلیت کوچکی در مجلس پانزدهم با هدایت و پایمردی دکتر محمد مصدق (که در آن هنگام پس از آزادی از زندان بیرجند و تبعید دوران رضا شاهی در احمد آباد تازه از بند تبعید رها گردیده و مبارزات میهنی خویشن را آغاز نموده بود، ترغیب می‌گردید." (تاكید از منصور بیات زاده)

آنان که با تاریخ معاصر ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ و همچنین مبارزات و فعالیتهای نظری دکتر مصدق در مجلس دوره چهاردهم آشنائی دارند، نمی‌توانند نقش دکتر محمد مصدق را در آن مقطع تاریخی نادیده بگیرند.

همچنین ضروریست یادآورشود که دکتر مصدق قبل از شهریور ۱۳۲۰ از زندان بیرجند آزادشده و به احمدآباد تبعید شده بود. اما پس از اشغال ایران توسط ارتش متفقین در شهریور ۱۳۲۰، و خلع رضاشاه پهلوی از مقام پادشاهی، دکتر مصدق از سوی مردم تهران بعنوان نماینده اول آن شهر در مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، انتخاب شده بود. مهندس جهانگیر حق شناس بخوبی با تاریخ آن دوران آشنائی داشته و در همین رابطه است که در همان صفحه چهار نوشته اش (صفحه ۵۰ کتاب اسناد سخن می‌گویند!)، در سطور سوم و سیزدهم از سیاست «موازنۀ منفی» نام برده و در سطر دهم آن صفحه به «قانون منع واگذاری امتیاز بهره برداری از نفت ایران در آذرماه ۱۳۲۳» اشاره کرده است، مطالب و مسائل کلیدی و محوری که دکتر مصدق در مجلس چهاردهم مطرح کرده بود و بسیاری از فعالین حزب توده، از جمله خلیل ملکی بخاطر «قانون تحریم امتیاز نفت»، علیه او کارزار تبلیغاتی برای انداده بودند. من در همین نوشته پیش رو به آن مسائل اشاره کرده‌ام.

با توجه به توضیحاتی که رفت، مطلب درون دو پرانتز یعنی: (که در آن هنگام پس از آزادی از زندان بیرجند و تبعید دوران رضا شاهی در احمد آباد تازه از بند تبعید رها گردیده و مبارزات میهنی خویشن را آغاز نموده بود)، صرفنظر از اینکه از سوی چه کسی مطرح شده است، از لحاظ تاریخی همانطور که اشاره رفت، مطالبی غلط و در واقع تحریف تاریخ است.

متن «پیش گفتار» بقلم زنده یاد مهندس جهانگیر حق شناس را می‌توان از طریق لینک زیر در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای طرفدار راه مصدق، مطالعه نمود و از آن طریق شخصاً مسائل مورد انتقاد مرا در صفحه ۴ آن نوشته (صفحه ۵۰ کتاب اسناد سخن می‌گویند!) ملاحظه کرد. حیف که در اثر بی توجهی، چنان اشتباهات «تاریخی» در آن کتاب مشاهده می‌شود، که حتماً ضرورت دارد تا در چاپ‌های بعدی، آن اشتباهات اصلاح گردد.

## مهندس جهانگیر حق‌شناس

پیش‌گفتار:

### «رهوان شرمنده در پیشگاه حقیقت»

ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن

در این چمن که گلی بوده است یا سمنتی

بررسی سریع مجموعه برگزیده استناد سری روابط ایالات متحده و ایران در دوران درخشنان نهضت ملی ایران و رویدادهای خفت‌بار پس از آن که اینجانب در ایام شکوفایی مبارزات مردم ایران در آن افتخار حضور و همکاری تنگاتنگی را داشتم، موجب تجدید خاطرات تاریخی تلاش‌ها و فدایکاریهای بی‌دریغ آن ایام و یادآور حماسه سلحشوری‌ها و از خود گذشتگی‌های رهبری آگاه و هشیار است که از دل و جان برای تحقق استقلال و شرف ملی به همراهی گروهی از یاران وفادار و استوار به میدان کارزار نابرابری پای گذارده بود. برای اینکه شرایط این نبرد نابرابر و شرح ناجوانمردیها و نامردمی‌های عوامل و محافل داخلی را که در بزنگاه این ستیز سرنوشت‌ساز «جبهه دوم» در داخل کشور ما گشوده و یا بعداً و در مراحل بسیار حساس بدان «جبهه دوم» پیوستند، بهتر شناخته شود، لازم می‌دانم به برخی از نکات و تحولات سیاسی گذشته نزدیک که زمینه این نامردمی‌ها و دشواریهای فراوانی که در مسیر مبارزات مردم آزادیخواه و میهن‌دوست این سرزمین کهنسال ایجاد گردید، بهتر شناخته شود، اجمالاً اشاره کنم تا جوانان میهن‌ما بهتر بشناسند که بر سر این کشور و رهوان فدایکار آن چه بلایائی رفته و چه بعای گزافی در صیانت از آزادی و استقلال ملی پرداخت گردیده است.

در سپتامبر سال ۱۹۱۸ کرزن وزیر امور خارجه وقت انگلیس، پرسی کاکس سفیر آن کشور در تهران را مأمور انعقاد قرارداد وابستگی نظامی و مالی با دولت وقت ایران ساخت به نحوی که عملأً با تحت الحمایه ساختن و انقیاد مالی و نظامی ایران، موجبات تحقیق اهداف و تسلط کامل سیاسی انگلستان را فراهم سازد. براساس اطلاعات دقیق و مستندی که در استناد وزارت خارجه انگلیس موجود و اینک در دسترس است، دولت انگلستان موجبات برکناری علاء‌السلطنه نخست‌وزیر را فراهم کرد و حسن و ثوق (وثوق‌الدوله) را که به دوستی نزدیک با آنان اشتهر داشت بر سر کار آورد. پرسی کاکس نیز با جلب موافقت و ثوق‌الدوله نخست‌وزیر وقت (حسن و ثوق برادر احمد قوام و پدر همسر علی امینی) و نصرت‌الدوله فیروز (فرزند عبدالحسین فرمانفرما و پدر مظفر و مریم فیروز) وزیر امور خارجه و اکبر میرزا مسعود (صارم‌الدوله) وزیر دارایی در هیأت دولت که ارکان اصلی تنظیم و اجرای قرارداد در دولت جدید بودند با پرداخت یکصد و سی هزار لیره رشوه و دادن تضمین کتبی دائر بر اعطاء حق پناهندگی سیاسی و برخورداری از حمایت و پوشش سیاسی از سوی دولت انگلیس، به عنوان دلالان مظلمه،

موجبات و زمینه تنظیم و تصویب قراردادی را که به قرارداد ۱۹۱۹ معروف گردید، در هیأت وزیران، و سپس در مجلس شورای ملی فراهم آورند. بر اساس اسناد موجود دولت انگلیس برای محکم‌کاری و مآل‌اندیشی و حصول اطمینان از انشاء و تغییذ اعتبار این قرارداد به عهده گرفت که ماهیانه پانزده هزار تومان نیز به احمد شاه قاجار پرداخت نماید. در مقابل به موجب قرارداد ۱۹۱۹ دولت ایران ملزم شده بود که کلیه مستشاران مالی و نظامی خود را از انگلستان استخدام نماید و حقوق و مخارج آنان را البته خود بعهده بگیرد.

با آنکه به موجب قانون اساسی قرارداد مذبور بدون تصویب مجلس شورای ملی نافذ نبوده و اعتبار قانونی نمی‌داشت، لکن براساس زمینه‌چینی‌های قبلی و تلاش‌های سه تن وزیران برگزیده و مورد اشاره، حسن و ثوق نخست‌وزیر و کاکس بدون آنکه منتظر طی تشریفات تصویب قرارداد بمانند دست به اجرای آن زندند و موجبات استخدام و اعزام کارشناسان مالی و نظامی انگلستان را به ایران را فراهم ساختند.

این امر موجب برانگیختن واکنش شدید از سوی آزادیخواهان و میهن‌دوستان ایران گردید و آنان با اعتنام از فرصت و بهره‌گیری از تعارضات سیاسی بین‌المللی و از جمله عدم موافقت دولت جدید اتحاد شوروی و اعلامیه‌ای که دولت وقت ایالات متحده در حمایت و تأیید تمایلات استقلال طلبانه آزادیخواهان ایران در مخالفت با این قرارداد صادر نمود و همزمان با گسترش احساسات ناسیونالیستی و ضد انگلیسی در سراسر آسیا و بویژه در شبه‌قاره هند و ترکیه و نگرانی بریتانیا از درگیری با ارتش نوپای سرخ در شمال ایران و بالاخره تزلزل و نابسامانی شرایط اقتصادی در انگلستان پس از پایان یافتن جنگ جهانی اول، مجلس شورای ملی ایران سرانجام از تصویب قرارداد تحت‌الحمایگی مالی و نظامی ایران امتناع ورزید. لتو تروتسکی کمیسر امور خارجه دولت جدید شوروی نیز بطور همزمان قرارداد سال ۱۹۰۷ رژیم تزاری روسیه با انگلستان برای تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ شمالی و جنوبی میان انگلیس و روسیه را بدین عنوان که با «استقلال و آزادی ملت ایران» منافات دارد، بطور یک‌جانبه لغو نمود. دولت وقت امریکا نیز که با انعقاد و اجرای قرارداد ۱۹۱۹ مخالف بود و علت آن نیز قبل از آنکه به ملاحظه مصالح ایران مربوط باشد مربوط به نگرانی این کشور از آن بود که مبادا تصویب قرارداد ایران و انگلیس در مجلس ایران، تحصیل و حفظ امتیازات نفتی را که در آن هنگام شرکتهای نفت امریکائی در ایران به دنبال آن بودند، مشگل‌تر سازد. از موضع آزادیخواهان و استقلال طلبان ایران پشتیبانی نمودند.

(تلگراف رمز مورخ ۱۷ مارس ۱۹۲۰ وزیر امور خارجه امریکا به سفارت

امریکا در تهران موجود در مجموعه اسناد سیاسی رسمی دولت امریکا).

بر اثر این شکست، سیاست خارجی انگلیس در جستجوی اجرای طرح نوینی در ایران برآمد

و با استفاده از حضور ژنرال آیرون ساید و پرسی لون وزیر مختار انگلیس در تهران به فکر فراهم آوردن موجبات استقرار و شالوده ریزی یک حکومت مقندر مرکزی افتاد تا همان اهداف منظور نظر قرارداد سال ۱۹۱۹ را منتهی در قالب و پوشش دیگری از طریق تجدید سازمان یگانهای آشفته قزاق‌های ایرانی که فاقد انسجام مالی، تشکیلاتی و جنگ‌افزار کافی بودند به اجرا درآورد. با این ترتیب قرارداد ۱۹۱۹ پس از به قدرت رسیدن دولت کودتا در فوریه ۱۹۲۱ به کلی از میان رفت و به مرحله اجرا در نیامد. در این مورد اینجانب طرح توضیحات بیشتری را ضروری نمی‌داند چه استناد و مدارک بسیاری در این مورد اینک انتشار یافته است و علاقمندان را به مطالعه عین استناد و از جمله مفاد کتاب مستندی که با عنوان: «ایران، ابرآمدن رضاخان - برافتادن قاجار و نقش انگلیسها» از سوی آقای سیروس غنی، فرزند زنده یاد دکتر قاسم غنی، در سال ۱۳۷۷ در تهران انتشار یافته است، هدایت می‌نماید.

پس از استقرار حکومت «مقندر مرکزی» مورد نظر با کودتای سال ۱۲۹۹ در ایران، رژیم نوپای شوروی نیز آن را بدؤاً مورد تأیید قرار داد و این حکومت را «تبلوار آرزوهای آزادگرانه بورژوازی ملی» ایران شناخت. این رویه متخذه از سوی دولت نوپای شوروی که در مراحل نخستین استقرار و خودسازی بود، در تحکیم پایه‌های «حکومت مقندر مرکزی» رضاشاهی تأثیر شگرفی بخشید و موجبات انسجام و گسترش آن را تا حدودی فراهم ساخت.

با شکست نیروهای محور در طی نبرد جهانی دوم و پیروزی نهائی متفقین، تغییرات و دگرگونی‌های فراوانی در جایگاهی توامندی‌های نظامی، اقتصادی و بالمال سیاسی در جهان پدیدار گردید. از جمله انگلستان که از پیروزمندان اصلی جنگ بود علیرغم دشواری‌های بسیاری را که تا آستانه نابودی کامل نیروهای رزمی خود در دنکرک و سایر مناطق اروپا از سرگذرانیده بود، همزمان با وزیدن نسیم آزادی ملل و کشورهای تحت استعمار و بهره‌کشی، گسترش افکار تند و انقلابی نهضت فکری زائیده افکار مارکس و لینین، با دشواری‌های گسترد و پیچیده ناشی از قبول اصل آزادی ملل زیر استعمار و از دست دادن مستعمرات پیشین خود مواجه و اجباراً به کشوری با توانمندی جهانی درجه دوم تنزل یافت. با پیدایش و گسترش توان نظامی دو ابرقدرت نوین یعنی ایالات متحده و اتحاد شوروی که به صورت نیرومندترین قدرت رزمی، اقتصادی، صنعتی و مالی جهان در آمدند و به مناسب تفوق ناشی از موقعیت جدید، نفوذ سیاسی ایالات متحده در خلیج فارس سریعاً گسترش یافت و شرکتهای نفتی این کشور در جستجوی دست‌یابی به منابع گرانبهای نفتی خواستار تخصیص سهمیه متناسبی از منابع این حوزه به خود گردیدند. در سالهای بلافضله پیش از پایان جنگ دوم جهانی و خاتمه اشغال ایران از سوی انگلستان و شوروی، هیأت حاکمه ایران همچنان جانبدار سیاست خارجی موسوم به «موازنۀ مثبت» یعنی ایجاد موازنۀ قدرت با کشورهای خارجی و دادن امتیازات مشابه به آنان در جهت حفظ موقعیت

گروه حاکم بودند. در مقابل آزادیخواهان و گروههای سیاسی آگاه که به تدریج با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی کشور و کاهش شرایط نظام مطلقه، فرصتی جهت ارزیابی شرایط نوین و ابراز نظر و عقیده می‌یافتدند، از سیاست موسوم به «موازنۀ منفی» پشتیبانی می‌نمودند و می‌خواستند که با تلاش و استفاده از تعارضات و تضادهای جهانی و منطقه‌ای حتی الامکان ایران را از زیر سلطه دیرینه بیگانگان و وابستگان داخلی آنان رها سازند.

در راستای این مساعی و مبارزات میهن دوستانه و استقلال طلبانه، مجلس شورای ملی علیرغم همه فشارها و مانورهای سیاسی وابستگان هیأت حاکمه و حزب توده ایران که به منظور برپا ساختن جنگ روانی و نمایش توانمندی و برخورداری از منابع اطلاعاتی و مالی دولت شوروی از پشتیبانی و نمایش‌های خیابانی واحدهای ارتش سرخ در خیابان‌های تهران نیز برخوردار بود، با تصویب قانون منع واگذاری امتیاز بهره‌برداری از نفت ایران در آذر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی، تلاشهای توسعه‌جویانه دولت شوروی برای کسب امتیاز نفت و مقابله به مثل و استقرار «موازنۀ مثبت» با انگلستان را با شکست روپرتو ساخت. مصوبه منع واگذاری امتیاز که بر اساس همان فلسفه سیاست «موازنۀ منفی» انشاء گردیده بود دولت وقت را نیز مکلف می‌ساخت که با اتحاد تدبیر شایسته حقوق از دست رفته ایران را از شرکت نفت انگلیس و ایران، که اینک بخش عمده سهام آن به خزانه‌داری دولت انگلیس انتقال یافته بود، زنده کند. این مأموریت به همت و مبارزه اقلیت کوچکی در مجلس پائزدهم با هدایت و پایمردی دکتر محمد مصدق (که در آن هنگام پس از آزادی از زندان بیرون گردید و تبعید دوران رضاشاهی در احمدآباد تازه از بند تبعید رها گردید و مبارزات میهنی خویشتن را آغاز نموده بود)، ترغیب می‌گردید. وی به عنوان نماینده اول مردم تهران در مجلس شانزدهم حضور فعال یافت و بالاخره تلاش میهن دوستان ایران در روزهای ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ با تصویب طرح و قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، علیرغم ساختار ناهنجار مجلس شورای ملی و کمیسیون ناهم آهنگ ویژه نفت ولی بر اثر رهبری شایسته و یکپارچه‌گی مردم هشیار ایران به ثمر رسید. رهبر آگاه نهضت ملی ایران که از دشواریهای بزرگ راه و از زدویندهای پشت پرده عوامل وابسته و پشتیبان شرکت نفت آگاه بود برای عقیم گذاردن برنامه انتصاب سید ضیاء الدین طباطبائی سازمان دهنده کودتای ۱۲۹۹، پیشنهاد پذیرش سمت نخست وزیری ایران، به شرط تصویب قانون مربوط به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران را پذیرفت و بدین شکل مبارزه بزرگ و سهمگینی را برای استیفای آزادی و استقلال میهن ما را در مرحله نوینی آغاز نمود.

به طوری که اسناد موجود در این مجموعه از این دوران به بعد گواه آن است، رهبر فرهیخته و آگاه نهضت ملی ایران که به خوبی کم و کیف سیاست‌های بیگانگان و مناسبات پیوسته آنان را با

یکدیگر و هم‌آهنگی عوامل داخلی با آنان را می‌شناخت، با بصیرت و فرصت‌شناسی بسیار کوشید که از تضادهای پدید آمده بر اثر جابجایی توانمندیهای سیاسی و نظامی در پایان جنگ جهانی دوم، علیرغم ساختار اداری غیرقابل اعتماد سازمان دولتی و نارسانی منابع مالی و اقتصادی کشور، وابستگی فراوان بودجه جاری دولت به منابع مالی حاصل از درآمد نفت که از سالیان گذشته به عنوان اهرم تسلطی بر کشور بوجود آمده و همچنان برقرار بود مقابله نموده و شرایط رویاروئی در این نبرد نابرابر را فراهم آورد. لکن عدم کنترل بر فرماندهی ارتش و نیروهای اطلاعاتی انتظامی و نفوذ سیاسی گستره شبکه و نفوذ سازمانهای اطلاعاتی دولتهاي انگلستان و امریکا و عوامل وابسته بدانها و بالاخره تشنج آفرینی‌ها و حادثه‌آفرینی‌هائی که سازمان‌های گوناگون مخفی و آشکار وابسته به حزب توده ایران و اتمار آن که پیوسته در جهت تضعیف توان و عملکرد دولت نهضت ملی ایران و از کار انداختن فعالیت‌های عادی واحدهای اقتصادی و تولیدی خصوصی و دولتی به عنوان اعمال و مطالبه حقوق صنفی و آزادیهای مدنی، انواع مشکلات و نابسامانیها را پدید می‌آوردند، این وظیفه دشوار و کمرشکن در عین رعایت اصل قانون‌مداری به دوش گرفت.

نخست وزیر نهضت ملی ایران با آگاهی به همه نارسانی‌ها و محرومیت از دسترسی به مشاوران کامل‌آگاه و آشنا به جهات گوناگون و بسیار پیچیده سیاسی و اقتصادی بازار جهانی نفت، مسئله ملی شدن نفت را که در واقع نظام مستقر انژری بین‌المللی را که بر اثر مساعی درازمدت هفت شرکت بزرگ بین‌المللی انگلیسی - امریکائی - فرانسوی و هلندی، برکلیه منابع نفتی جهان استقرار داشت، به چالش طلبیده بود، تنها به اعتقاد قلبی خویش بر حقایق مردم محروم و ستمدیده میهن ما برای استیفاده حقوق ملی از دست رفته آنان بدون دست‌یابی به ساز و کار ضروری دست به کار این نبرد نابرابر گردید و کوشید با استفاده از تعارضات جهانی در اردوگاه غرب و برانگیختن وجودان آزادیخواهی و ارزش‌های اخلاقی در میان زمامداران کشورهای غربی حقایق و اصالت خواستهای مردم ایران را به آنان تفهیم نماید. وی در برخی موارد نیز به توفیق‌های ارزنده‌ای نیز دست یافت و تا آستانه پیروزی نیز پیش رفت.

در اینجا لازم می‌داند به برخی از نکات برجسته مذکور و مکتوم در این استناد اشاره نماید:

۱. به طوری که مجموعه استناد سیاسی در دست، اینک گواهی می‌دهد وی کوشید که از همه اهرم‌های دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی و حقوقی و رایج در جهان غربی در این مبارزه سود بگیرد، تا آنجائی که با توجه به حساسیت و اهمیت مسئله پرداخت «غرامت واقعی» تأسیسات و دارائی‌های شرکت نفت انگلیس و ایران، در مذاکرات مستقیم خود در شهر واشنگتن در کاخ سفید با هاری ترولمن رئیس جمهور وقت ایالات متحده که می‌کوشید تا حدودی رعایت عدالت و انصاف

را در اختلاف ایران و انگلستان ملحوظ و از قطع گفتگوها اجتناب شود (وبراساس شهادت همین استناد سری رئیس جمهور امریکا قاطعانه با طرح تصریف نظامی مناطق نفت خیز ایران از سوی واحدهای نظامی انگلستان مستقر در قبرس و سواحل خلیج فارس مخالفت نموده بود)، از نامبرده می‌خواهد که برای گشودن گره فرویسته در حل گفتگوهای درباره نفت با دولت وقت انگلیس که تعیین میزان غرامت عادلانه‌ای را که ایران می‌بایستی به شرکت نفت انگلیس و ایران پردازد، رئیس جمهور ایالات متحده شخصاً به عهده بگیرد و در همانجا برای ابراز حسن نیت خویش تأکید می‌نماید که تابع ارزیابی و نظر وی را هر چه باشد دولت ایران خواهد پذیرفت.

رهبر نهضت ملی ایران با هزینه شخصی خویشن در جوامع بین‌المللی از قبیل شورای امنیت و دیوان دادرسی جهانی حضور یافت و کوشید تا با طرح و ارائه دلائل و مستندات، حقانیت شکایات ایران و جدان آگاه و بیدار مردم جهان و انکار عمومی در کشورهای مختلف را که تا آن هنگام از کم و کیف موضوع اختلاف و مبارزه تنها از طریق تبلیغات یک‌سویه دولت انگلستان و تأکید آنها بر لغو یک‌سویه قوارداد از سوی ایران، این کشور را به نقص اصول متعارف و رعایت الزامی احترام قراردادها متهماً نمود، آگاهی داشتند، متوجه نظرات و دلائل خود نماید و به مبارزه استقلال طلبانه میهن ما مشروعیت و قبولیت جهانی ببخشد.

مسئولان دولت امریکا در بد و امر و لااقل در دوران حکومت حزب دموکرات و ریاست جمهوری هاری تروممن می‌اندیشند که پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران، بدون اینکه ضرورت داشته باشد که در نظام مستقر بین‌المللی از سوی هفت شرکت خواهان عمدۀ نفتی در جهان، دگرگونی عمدۀ ای حاصل گردد، به نحوی در باره «نوعی ملی شدن» با دکتر مصدق کنار خواهند آمد و متعاقباً سهمیه‌ای نیز برای شرکتهای امریکائی که تا آن هنگام از متابع ارزنده نفت خلیج فارس و بویژه ایران محروم بودند بدست خواهند آورد. لکن به زودی دریافتند که این مبارز فسادناپذیر و تیزبین را واقعاً به درستی نشناخته بودند و وی به هیچ وجه بر اصول و منافع حیاتی که به شهادت همین مجموعه استناد با پذیرش «نوعی ملی شدن» که در نهایت تأسف در دولت برآمده از کودتا به مباشرت فضل الله زاهدی - علی امینی و عبدالله انتظام وزیران دارائی و امور خارجه برقرار گردید، اهل سازش و بده و بستان و رویه یک‌بام و دو‌هوای معمول در جهان و بویژه در آن دوران که کمتر کشوری در منطقه خاورمیانه حتی از استقلال صوری و اسمی برخوردار بود، نمی‌باشد و حاضر نیست با پذیرش «نوعی ملی شدن»، متابع ملی و طبیعی کشورش را که به حق می‌بایستی مصروف بپسود رفاه و زندگی اقتصادی و بالا بردن سطح فرهنگ و کیفیت زیست مردم کشورش شود، نصیب خزانه‌داری دولت انگلیس و یا صاحبان سهام سهامداران

امریکائی، فرانسوی و هلندی نماید. و از این راه مصالح کشورش را تحت الشاع ملاحظات و منافع آنان قرار دهد.

۲. نکته بسیار مهم دیگری که با مطالعه مجموعه اسناد سری دروست بر هم میهنان آشکار می‌گردد تعهدات نظامی اسارت‌باری است که شاه و دولتهاي قبل از دولت نهضت ملی ایران مخفیانه زیر عنوان «همکاریها و کمک نظامی» در قبال دولت ایالات متحده پذیرفته و متعهد گردیده بودند که در قبال دریافت مقدار محدودی ساز و برگ تسليحاتی و آموزش نظامی، در هر زمان که مصالح و منافع نظامی و استراتژیکی دولت ایالات متحده از سوی اتحاد شوروی مورد تهدید قرار گیرد، کلیه مرزهای دفاعی و امکانات نظامی ارتش ایران یکسره در اختیار دولت مزبور قرار گیرد و این موضوع به شکل محترمانه در تحت عنوان شرایط «قانون موسوم به باتل» در اسناد پیوست قرارداد همکاریهای ایران و ایالات متحده بدون آگاهی و یا تصویب مجلس شورای ملی وقت ایران رسمیاً پذیرفته شده و تعهد گردیده بود. امتناع مؤکد نخست وزیر برگزیده مردم ایران از قبول و تمدید این موافقت‌نامه که نامبرده آن را به عنوان «پیمان اتحاد نظامی» تعبیر و علیرغم وساطت‌ها و اصرار شاه در پذیرفتن آن و تهدید به آشکار ساختن آن می‌نماید، یکی از موجبات پیدایش تئش و ناخرسنی مستولان سیاسی و نظامی دولت امریکا و گرایش بیشتر آنان در جهت هم‌سوئی با دولت انگلیس می‌گردد.

شگفت‌آور است که بخشی از این مجموعه اسناد به تبادل پیام‌ها و مذاکرات مهم رهبر نهضت ملی ایران با سران دولت امریکا به الغاء این موافقت‌نامه اسارت‌آور اختصاص یافته است، تا آنجائی که فشار وساطت‌های مکرر شخص شاه نزد نخست وزیر و اصرار وی به پذیرش این تعهدات نظامی سری و خفت‌بار از سوی دولت ایران بی‌نتیجه می‌ماند و دولت امریکا تاچار می‌شود در طول حکومت نهضت ملی ایران بدون تحصیل تعهدات مزبور از دولت ایران به کمکهای محدود نظامی خود ادامه دهد و تنها در دولت دست‌نشانده کودتای فضل الله زاهدی است که با موافقت دولت دست‌نشانده تحصیل تضمین تعهد محترمانه مزبور مجددأ به عنوان یکی از دست‌آوردهای عمدۀ سیاسی، عاید دولت ایزنه‌اور می‌گردد.

این مجموعه بسیار ارزش‌نده استاد سری سیاسی که به شکل جامع و دقیق به همت دولت گرامی و پژوهنده آقای دکتر احمد علی رجائی و همسر ارجمند ایشان با تلاش و زحمت فراوان آماده گردیده و به ایرانیان آگاه‌دل و میهان دوست ارائه می‌گردد، تاریخ این پیکار فراگیر و همه‌جانبه دوران درخشنان نهضت ملی ایران را در همه ابعاد آن بطور مستند و دقیق آشکار می‌نماید.

تعداد پانصد و هشت سندگویا و معتبری که در جریان مبارزات بی‌امان نهضت ملی ایران و به فاصله زمانی بسیار کوتاهی پس از هر رویداد و برخورد و گفتگو از سوی سفیران و کارگزاران دولت امریکا در تهران - واشنگتن - لندن تنظیم و تدوین می‌گردیده است، به روشنی گواه بر آن است که دکتر محمد مصدق به عنوان رهبر آزاده نهضت ملی ایران در محدوده امکانات و به اصطلاح امروزی «داده‌ها» و امکانات سازمانی، اطلاعاتی و تخصصی بسیار محدودی که در اختیار داشته است پیوسته با تلاش‌های شباهنروزی خویش همراه به مصالح بلندمدت میهن و هم‌میهنان خویش می‌اندیشیده است و هیچ‌گاه از انجام مأموریت بزرگی که از سوی مردم هوشمند ولی محروم میهن ما با اطمینان و دلستگی بسیار به وی سپرده بودند، غافل نمانده است. درست به مناسبت همین پایمردی‌ها و نگرانی‌ها و آگاهی از مخاطرات و نیرنگ‌ها بوده است که رنج و هزینه فراوان تحمل زندان افرادی و تبعید طولانی در کهنسالی را در پایان عمر به جان و دل پذیرفت. و هیچگاه سستی و ناباوری و ناپایداری در اعتقادات اصولی وی پدیدار نگردید.

این مجموعه استاد سری که به قول پژوهشگر ارزنده، آقای محمدعلی موحد، در خاطره نسل ما به «شاہنامه آزادی» تبدیل شده است به واقع نه تنها صرفاً نقل یک حدیث تاریخی بلکه به حق یک «سرود آزادی» است.

۳. پژوهش‌ها و بررسی‌هایی که در سالیان کنونی با دست یابی به استاد و مدارک معتبر و غیرقابل انکار در داخل و خارج کشور از سوی هم‌میهنان پژوهشگر و میهن دوست ما صورت پذیرفته است مناسبات آشکار و پنهان، رایزنی‌ها و همکاری‌های دور و نزدیک بسیاری از عناصر و افراد، مسئولان دولتی، پارلمانی، نظامی، و مذهبی کشور ما را در آن دوران سرنوشت‌ساز تاریخی با سازمانهای سیاسی، اطلاعاتی، و نمایندگی‌های سیاسی و حتی افرادی را که زیر پوشش مأموریت‌های دانشگاهی و علمی به کشور ما اعزام می‌گردیدند به نحو شگفت‌آوری آشکار و شناسائی می‌نماید. این افراد که با سیمای ظاهرالصلاح در پوشش‌های گوناگون با برخی از هم‌میهنان کوردل و ناگاه، بر علیه مصالح این کشور کهنسال هم‌آهنگی داشته و از دل و جان در خدمت بیگانگان بوده‌اند، در گرمگرم این پیکار سرنوشت‌ساز دروازه میهن را بر روی دشمن گشوده‌اند. و ظاهراً در این خواب خرگوشی بوده‌اند که گویا سرسردگی و هم‌دلی مخفی و آشکار آنان با دشمنان این موز و بوم دیرپایی برای همیشه در پرده استار می‌ماند و گذشت زمان آثار و تایع غیرقابل جبران همگامی و هم‌دلی آنان با بیگانگان را در حسام‌ترین مراحل نهضت سترگ استقلال‌طلبی و آزادی‌جوئی مردم این کشور بلادیده را از صفحات تاریخ ایران می‌زداید. زهی کوتنه‌نظری و کوتنه‌اندیشی.

نگارنده مفتخر است که این پیش‌گفتار را علیرغم بیماری و عدم دسترسی به منابع دلخواه و دقیق اطلاعاتی بر این کار پژوهشی ارزنده بنگارد و بدین وسیله امید توفیق همه مبارزان سختکوش، پژوهندگان و راهروان شاهراه آزادی و استقلال ایران را آرزو نماید.

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید  
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

### جهانگیر حق‌شناس

آبان ماه ۱۳۷۸

در این کشور که توان خود را در این سیاست و فتوسیاست و گذارشان می‌نماید، این اینجاوی چند سالی را با خود می‌گذراند. این سیاست و فتوسیاست که از سینه آزادی ایران کشیده است از ایلات می‌گذرد و از این ایلات می‌گذرد. موقت و اندک و این ایلات می‌گذرد و از این ایلات می‌گذرد. سالهاز می‌گذرد و این ایلات می‌گذرد. کواد می‌گذرد از ایلات و جمهوری می‌گذرد از ایلات و ملاحته از ایلات می‌گذرد. اگرچه فتوسیاست و ایلات می‌گذرد از ایلات و جمهوری می‌گذرد از ایلات و ملاحته از ایلات می‌گذرد. اگرچه فتوسیاست و ایلات می‌گذرد از ایلات و جمهوری می‌گذرد از ایلات و ملاحته از ایلات می‌گذرد. اگرچه فتوسیاست و ایلات می‌گذرد از ایلات و جمهوری می‌گذرد از ایلات و ملاحته از ایلات می‌گذرد. اگرچه فتوسیاست و ایلات می‌گذرد از ایلات و جمهوری می‌گذرد از ایلات و ملاحته از ایلات می‌گذرد.

### نشریه اینترنتی جنبش سوسیالیستی

نشریه سازمان سوسیالیست‌های ایران - سوسیالیست‌های طرفدار راه مصدق

[www.ois-iran.com](http://www.ois-iran.com)  
[socialistha@ois-iran.com](mailto:socialistha@ois-iran.com)